

## در مقابل زندانها کفن بپوشیم

فرزاد کمانگر، معلمی که از 4 سال پیش در زندان به سر می برد و حکم اعدام قطعی دارد، برای ابراز همبستگی با کارگران و در اعتراض به فشار بر معلمان، به اعتصاب غذایی دو روزه به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر و 12 اردیبهشت روز معلم، دست زده است. سلطنه رضائی، مادر فرزاد کمانگر در مصاحبه با روز، از وضعیت فرزندش وعلاقه او به شغل آموزگاری سخن گفته است. وی با بغض و گریه، روز معلم برا ه فرزند محکوم به اعدامش و معلمان تبریک گفته و پیشنهاد کرده است: " همه باهم مقابل زندان، دادگاه و دیگر نهاد های دولتی کفن بپوشیم و اعتصاب کنیم. حاضریم مقابل گلوله هایشان بایستیم و "کشته شوم. خون ما از خون دانشجویانی که در خیابانهای تهران کشته شدند رنگین تر نیست

مصاحبه "روز" با سلطنه رضائی، مادر فرزاد کمانگر در پی می آید

**امروز روز معلم است و فرزاد کمانگر به عنوان یک معلم نمونه سالهاست که در زندان به سر می برد و با حکم اعدام. او در بیشتر نامه هایش بر نقش معلمان در جامعه تاکید دارد. به عنوان مادر فرزاد بگوئید چه شد که او تصمیم گرفت معلم شود؟**

فرزاد در شرایطی سخت درس خواند و معلم شد. پسریم با امید به آینده بهتر و آرزوهای بزرگ به دانش آموزانش درس می داد. او می خواست دانش آموزان را برای خدمت به جامعه و هموعانشان پرورش بدهد. فرزاد 13 سال معلمی کرد. عشق او به آموزگاری چیزی بیش از وظیفه ای بود که هر معلم دیگر ممکن است در قبال دانش آموزانش احساس کند. او برای بچه ها پدری می کرد. فرزاد بدون اینکه مرتکب جرمی شده باشد، بدون اینکه مدرکی علیه اش وجود داشته باشد دستگیر و به اعدام محکوم شده است. من مادر معلمی هستم که 13 سال پای تخته سیاه، گچ خورده و به فرزندان سرزمین مان درس انسانیت و نوعدوستی داده است. معلمی از نظر من و از نظر تمام دنیا نه تنها جرم نیست بلکه افتخار است. آموزش انسانیت به فرزندان جرم نیست

### آقای کمانگر چه جایگاهی میان مردم و دانش آموزانش داشت؟

فرزاد چه وقتی معلم بود و چه پیشتر از آن، میان مردم محبوب بود؛ او خوش خلق و خوش رفتار بود. اخلاق و رفتار انسانی اش قابل ستایش بود. از روزی که پسریم را به زندان انداخته اند محبوبیت او در میان مردم افزایش یافته است. دانش آموزان فرزاد مرتبا سراغ معلمشان را می گیرند. آنها هنوز امیدوارند روزی معلمشان برگردد و به آنها درس بدهد. دانش آموزان شیفته منش انسانی فرزادند. پسریم حقوق معلمیش را قبل آنکه آن با مادر پیر خود قسمت کند، با دانش آموزانش قسمت می کرد. رفتار فرزاد با دانش آموزان طوری بود که وی را پدر دوم خود تلقی می دانستند

### فرزاد در نامه های خود، از دانش آموزی به نام میدیا سخن می گوید. چرا؟

عشق فرزندم به دانش آموزانش فوق العاده زیاد بود. روزی فرزاد داشت از روستای نزدیک روستای خودمان می گذشت که دانش آموزشی را دید که بیرون خانه شان نشسته و به دلیل فقر شدید خانواده اش چیزی برای خوردن پیدا نکرده و گرسنه بود. پسریم با دیدن وضعیت اسفبار دانش آموزش، وعده غذایی را که برای ناهارش همراه داشت به آن دختر کوچک که اسمش میدیاست داد. میدیا هم صورت معلمش را بوسید و با خوشحالی به خانه برگشت. میدیا کمتر به مدرسه می آمد چون پدری خشن داشت. روزی میدیا سر کلاس درس حاضر نمی شود. وقتی فرزاد سراغش را می گیرد، همکلاسی هایش او را از خودسوزی و مرگ مادر میدیا مطلع می کنند. از آن روز، فرزاد برای میدیا هم پدر بود و هم معلم. به خاطر شرایط ویژه میدیا، فرزاد او را از همه دانش آموزانش بیشتر دوست داشت. این گونه بود که میدیا به بخش جدا ناشدنی از وجود فرزاد تبدیل شد. به خاطر همین مهربانی و رفتار انسانی فرزاد، دانش آموزانش به شدت به او علاقمندند و حتی بیشتر از من نگران سرنوشت معلمشان هستند

### با فرزاد ملاقات دارید؟

یک سال است که با فرزندم ملاقات حضوری نداشته ام. اما فرزاد از هرفرصتی در زندان استفاده می کند و تلفنی با من تماس می گیرد. وی در تمام این مدت به من روحیه داده است. او مریض است، با این حال

مسئولان زندان حاضر نیستند وی را برای مداوا به خارج از زندان منتقل کنند. تنها چیزی که هنوز فرزند و ما را سرپا نگه داشته، روحیه قوی و اراده پولادین فرزندم است.

### **آیا برای برقراری دوباره ملاقات، شما یا وکیل فرزند اقدام قانونی صورت داده اید؟**

ما به دادگاه مراجعه کرده ایم اما بدون آنکه دلیلش را به ما اعلام کنند اجازه ملاقات نمی دهند. آقای خلیل بهرامیان، وکیل پرونده پسر من نیز تلاش زیادی کرد اما به نتیجه نرسید. برای مدت طولانی به بهانه گم شدن پرونده، اجازه دسترسی وکیل به پرونده را نیز ندادند.

### **فردا روز معلم است، شما چه پیامی برای فرزندان و دیگر معلمان دارید؟**

این روز را به فرزند در بندم و به همه معلمان تبریک می گویم. از تمام معلمان می خواهم از حقوق خود عقب نشینی نکنند و پیگیر خواسته های انسانی خود باشند. معلمی شغل مقدسی است. فرزند تنها پسر من نیست، او فرزند یک ملت است. معلم تنها متعلق به خانواده اش نیست. معلم فرزند تمام ملت است.

### **از مردم و به ویژه از مادران برای بهبود وضعیت فرزند و دیگر زندانیان چه انتظاری دارید؟**

من با این تن مریضم، با این روح بیمار و زخم دیده ام از تمام مادرانی که فرزندانشان بازداشت، زندان و یا اعدام شده، تقاضا دارم همه باهم مقابل زندان، دادگاه و دیگر نهاد های دولتی کفن بپوشیم و اعتصاب کنیم. حاضر مقابل گلوله هایشان بایستم و کشته شوم. خون ما از خون دانشجویانی که در خیابانهای تهران کشته شدند رنگین تر نیست. نمی دانم تا کی باید با چشمان پر از اشکم انتظار فرزندم را بکشم. می خواهم از تمام مسئولان بپرسم: آیا زندانی کردن و اعدام فرزندان این سرزمین، رافت اسلامی و پایبندی به اصول اسلام است؟ حاضر برای اثبات بی گناهی پسر معلم مقابل همان اسلحه ای قرار بگیرم که دانشجویان با گلوله آن کشته شدند. می خواهم که مادران داغدار به فرزندانشان افتخار کنند، همانگونه که من به فرزندم افتخار می کنم.

منبع: سایت روز  
وارد شده: 12 اردیبهشت 1389 - 2 مه 2010